

روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران

صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان

نشانی: تهران: میدان فاطمی، خیابان بهرام‌میسری، پلاک ۲۲ • تلفن: ۵۴ و ۸۸۹۳۶۲۷۰ • شماره: ۴۹۰۶ • ۱۲ صفحه
تلفن گه‌گی‌ها: ۸۶۰۳۶۱۱۹ • تلفن امور آگهی‌های شهرستان‌ها: ۷-۴۴۰۱۹۸۰۵ • تلفن امور مشترکین: ۸۸۹۰۳۵۴۸ • توزیع: شرکت پیام‌رسان سبز • تلفن: ۶۶۲۸۷۳۴۴ • چاپ: مصمیم

روزنامه شتر

یکشنبه ۲۸ مرداد ۱۴۰۳ • ۱۳ صفر ۱۴۴۵ • ۱۸ آگوست ۲۰۲۴ • سال بیست‌ویکم • شماره ۴۹۰۶ • ۱۲ صفحه
اذان ظهر تهران ۱۲:۰۸ • اذان مغرب ۱۹:۰۹ • اذان صبح فردا ۳:۵۶ • طلوع آفتاب ۵:۲۷

www.sharghdaily.com aparat:tasvirshargh Telegram:SharghDaily youtube:sharghdaily twitter:sharghdaily instagram:sharghdaily1

صنف

هیج احضاریه‌ای ابلاغ نشده است



پرتو برهانپور و حجت کرمانی در گفت‌وگو با «شبکه شرق» اخبار منتشرشده در رسانه‌ها، درمورد لزوم بازگشت خانم نیلوفر حامدی به زندان را تکذیب کردند.
وکلا نیلوفر حامدی در ادامه گفتند: «تاکنون هیچ احضاریه‌ای ارجاع‌به اجرای حکم به خانم حامدی ابلاغ نشده و همان‌طوره پیش از این نیز اعلام شد. منتظر اعمال عفو و مختمومه‌شدن پرونده هستیم.»
آنها تأکید کردند: «متأسفانه آنچه در رسانه‌ها منتشر شده، سوبورداشت از صحبت‌های آقای عمادالدین باقی بوده است. این مسئله، ضرورت دقت بیشتر رسانه‌ها در انتشار اخبار مربوط به پرونده‌های قضائی و رعایت حقوق اشخاص پرونده را نشان می‌دهد.»

هنرخوانی

اصرار خانه سینما بر مطالبات

با معرفی سیدعباس صالحی به‌عنوان گزینه وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی توسط مسعود پزشکیان رئیس دولت چهاردم، هنرمندان به واسطه جامعه اصناف از جمله خانه سینما، مطالبات خود را به انحصای مختلف مطرح کردند. خانه سینما با بازخوانی مطالبات صنوف سینمایی و پاسخ مسعود پزشکیان یادآوری کرده است که در بازنگری و اصلاح قانون هفتم برنامه پیشرفت در عرصه فرهنگ و هنر به‌ویژه ماده ۷۵ حاضر به مشارکت و همکاری است.

در بیانیه خانه سینما مطالبات زیر به طور دقیق مطرح شده است:
با توجه به نظرات صریح و روشن دکتر مسعود پزشکیان، رئیس‌جمهور محترم، می‌توان انتظار داشت تا نکات زیر مورد توجه وزیر محترم پیشنهادی برای وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و همچنین نمایندگان محترم مجلس برای تشکیل دولت وفاق ملی قرار گرفته و در صورت تأیید و اعتماد مجلس به وزیر پیشنهادی، هرچه سریع‌تر این موارد در دستور کار وزیر محترم فرهنگ و ارشاد اسلامی نیز قرار گیرد:
- حذف نظارت پیشینی آنچه در تمام این سالیان به‌ناحق به سینماگران اعمال شده و تدبیر خردمندانه برای نظارت پسینی مقتضای باور رئیس محترم‌جمهور و انتظار سینماگران برای تحقق این وعده بخردانه است.
- بازنگری در نظارت غیرمتمدنانه کنونی (نظارت پیشینی) و تدبیر برای تنظیم سازوکار تمدنانه برای نظارت پسینی از جمله تدابیر فوری و لازم برای دستور کار وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی است.
-سازوکار پیشگیری از مداخله و مزاحمت‌های نهادها دیگر جزء تعهدات رئیس‌جمهور منتخب بوده و بر این اساس تقویت نظام‌ها صنفی هنر با پیش‌بینی حضور مؤثر نمایندگان آنها در مراجع و مبادی تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی مربوط به کسب‌وکار آنهاست.
- نقض دولت در سپهر هنر و سینما تسهیل‌گر حضور بخش خصوصی است و نه تنظیم بندهای متصلب محدودیت‌ساز آفرینشگر.
- بسترسازی برای رونق تولید و ضرورت حمایت از عرضه محصولات سینمایی با تنظیم آیین‌نامه مشارکتی اصناف و وزارت متبوع است که می‌تواند موجب رونق بازار جهانی سینما باشد.
- برخورداری از جشنواره فیلم در سطح تعریف‌شده جهانی.
- اجاری حق قانونی سینماگران در تأمین بیمه بیکاری در تعامل مشترک خانه سینما و دولت از تعهدات وزارت فرهنگ و ارشاد است.
-انتظار فراوان مشارکت در تدوین لایحه قانونی بیمه سینماگران از سوی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- انتظار دعوت وزیر محترم فرهنگ و ارشاد اسلامی برای مشارکت در روزآمدسازی پیش‌نویس قانون نظام صنفی سینما (اجرای نظام صنفی هنر) به منظور تحقق نظام صنفی هنر و کاهش تصدی‌گری دولت.

اعلام آمادگی خانه سینما برای مشارکت در بازنگری

در پایان خانه سینمای ایران آمادگی خود را برای مشارکت در بازنگری و اصلاح مفاد فرهنگی-هنری قانون برنامه هفتم پیشرفت به‌ویژه ماده ۷۵ بدون توجه به قواعد بنیادین حقوق اساسی، نظرات این نهاد صنفی و چشم‌انداز سینمای ایران تهیه و تصویب شده است، اعلام می‌دارد.

بی‌بی‌سی فارسی با آپ و تاب واکنش تُند هواداران مسعود پزشکیان به وزیران پیشنهادی کابینه چهاردم را پخش می‌کرد و سرخط بخش خبری اصلی خود را به آن اختصاص داده بود.
شنبه‌شب فهرست دیگری از کابینه به صورت غیررسمی انتشار یافت، اما صبح یکشنبه که اسامی در مجلس خوانده شد، آه از نهاد طرفداران رئیس‌جمهور برخاست.
اسکندر مومنی برای وزارت کشور هیچ‌گاه مطرح نبود. برخلاف انتظار مردم برای شنیدن نام شایستگان این مرز و بوم، فهرست ارائه‌شده کاملاً غیرمنتظره بود.
مرز میان هواداری و نقادی کجاست و آیا رسانه‌ها توانسته‌اند برای روشن‌کردن افکار عمومی، نقش درستی ایفا کنند؟
تصویری که از پزشکیان در حال شکل‌گیری است، اصلاً تصویر خوبی نیست و نیاز به کار منسجم رسانه‌های دارد.
اصلی‌ترین افرادی که در ایام تبلیغات کنارشان بودند و کمپین او را پیش می‌بردند، به حاشیه رفته‌اند. مگر می‌توان استعفا ی ظریف را یک رویداد منفرد فرض کرد؛ لابد این استعفا آغاز یک دومینوی خطرناک است.
آن همه صحبت از اقلیت‌های قومی و مذهبی که مکرر بیان می‌شد، چرا هیچ نمودی در فهرست پیشنهادی و انتصابات نداشته است.
اگر پاسخ درستی به افکار عمومی و هواداران داده نشود، دولت اعتبار ملی خود را از دست می‌دهد و نمی‌تواند به کمترین وعده‌های خود هم جامه عمل بپوشاند.

معمولاً اصحاب رسانه با فرآخ ببال و بدون محدودیت‌های ساختگی، به نقد اصحاب قدرت می‌پردازند، اما در ایران به دلیل فقدان احزاب واقعی، متأسفانه بخش بزرگی از کنش‌های سیاسی به گردن رسانه‌ها افتاده است.
در سه دهه گذشته، روزنامه‌نگاران و رسانه‌های مستقل، آسیب‌های بزرگی دیده‌اند. بسیاری از صاحبان قلم، خانه‌نشین و منزوی شده‌اند یا جلای وطن کرده‌اند.
معدود رسانه‌های مستقل، با کوهی از مشکلات، با سبیلی صورت‌شان را سرخ نگه داشته‌اند و بزور سر پا هستند.
در چنین شرایطی، وقتی دوقطبی‌ای مثل جلیلی_پزشکیان شکل می‌گیرد، برای روزنامه‌نگاران و رسانه‌ها، این حکم مرگ



زائرین اربعین حسینی در مسیر گذرگاه مرزی جذابه، میهمان موکب‌های کوچک مردم منطقه هستند. موکب‌های ساده‌ای که به فراخور توان هر خانواده برپا شده‌اند تا میزبان مسافران اربعین حسینی باشند.
علی معرف، ایرنا

وقت تیمار و یارمندی قلم‌های شیردل



قادر باستانی تبریزی

و زندگی می‌یابد و آنها مجبورند جور فقدان احزاب را بکشند و با همه توان تلاش کنند تا شرایط ناگوارتر نشود؛ اما این شرایط اوزرآنسی است و وظیفه رسانه‌ها، هواداری نیست. رسانه، بنابراین اگر نقادی در رسانه و قدرت است. این زبان نباید الکن شود. بنابراین اگر نقادی در رسانه و قلم‌های مستقل دیده می‌شود، طبیعی است و باید همین باشد.

رسانه مستقل باید برای مردم تبیین کند که دولت وفاق ملی، یعنی اینکه گروه‌های مختلف جامعه حس کنند افراد شایسته برای مدیریت امور، صرفاً به دلیل دیدگاه سیاسی کنار گذاشته نشده‌اند.
با برعکس افرادی که شایستگی ندارند، صرفاً به دلیل اشتراک موضع سیاسی، در رأس امور قرار نگرفته‌اند.
از این منظر باید با صدای رسا سؤال کنند که چرا بخشی از کابینه پیشنهادی، نسبتی با مفهوم وفاق ملی ندارد؟
جالب اینکه برخی گزینه‌ها به گونه‌ای هستند که طرفداران پزشکیان می‌گویند تحمیل شده و طرفداران نامزدهای رقیب می‌گویند محصول اختلافات درونی خودشان است و البته کسانی که رای ندادند هم بوزخند می‌زنند و می‌گویند، از اول معلوم بود انتخابات در ایران نمایشی است!
اینجا رسانه مستقل باید میدان‌داری کند و بدون تعصب و رودربایستی، حقیقت را برای مردم عیان سازد.

قلم‌های آزاده باید برای مردم تبیین کنند که مسعود پزشکیان، وفاق ملی را در سطح صاحب‌منصبان بانفوذ سیاسی دنبال کرده است؛ وگرنه اینجا چه پایگاهی در جامعه دارند که سهم‌دهی به آنها معنای وفاق ملی را بدهد؟
فردا که این ترکیب کارآمد نباشد.
آیا آقایان پاسخ‌گوی سهم‌شان در کابینه خواهند بود؟
حتماً نخواهند بود و نباید باشند. این

مطالبه‌خوانی

فیض‌الله بیری

جمع‌کردن آرای خاموش برای پزشکیان در آن ایام آسان نبود. آنان که به تبلیغ تغییر به نام پزشکیان آمده بودند، آبرو و اعتبار خود را به میدان آورده بودند و با انواع انگ و طعنه و برجسب مواجه شدند. ستاد پزشکیان که

به‌شدت به آرای اهل سنت نیاز داشت، چنان به دنبال چهره‌های شاخص این گرایش اسلامی بود که در کارهای گرافیکی بارها تصاویر برخی علما و روشنفکران اهل سنت را در کنار نام و تصویر پزشکیان تبلیغ کرد و... .
انگار همین دیروز بود که جملگی با دیدگان خود دیدیم و رمز تاریخ تازه و هنوز کهنه‌نشرده را نیاز به کشودن و گفتن نیست.
مواضع پزشکیان چنان در انتخابات شفاف بود و برای اجرای آن شرافت خود را به میدان آورد و می‌گفت «به شرفم قسم به شما دروغ نمی‌گویم» که حتی باقی نگذاشت و برای اهل سنت ثابت شده بود که دست‌کم دو وزیر را در کابینه خواهند داشت و از حقوق تاریخی آنها متفاوت از دیگر رؤسای‌جمهور دفاع خواهد شد.
اما چند روز پیش از اعلام کابینه و نام‌هایی که برای برخی پست‌های وزارتی مطرح شد، نه‌تنها جامعه اهل سنت، بلکه برخی دیگر اقوام و شهروندان ایرانی را با نگرانی‌هایی مواجه کرده و هدف اصلی این یادداشت هم انتقال این دغدغه‌ها و گلاویه‌هاست.
اکنون که نام‌های کابینه اعلام شده، دریغ که معلوم است که نگرانی‌ها بی‌جهت نبوده و میان وعده‌های انتخباتی پزشکیان و معرفی کابینه فاصله است!

مردم صاحب تحلیل امروز با گذشته فرق دارند و محدودیت‌ها را کم‌وبیش می‌دانند.
اما انتظار دارند پزشکیان که به شرافتش سوگند یاد کرده که به مردم دروغ نگوید، با مردم از چرایی ترکیب کابینه به شکل امروز، واقعیات و موانع سخن بگوید.
بیان این گلاویه‌ها به معنای عقب‌نشینی از مواضع تغییرطلبی و دموکراسی‌خواهی و حق جوایی از راه صندوق رای نیست، اما این پیام را باید به رئیس دولت منتقل کرد که در میان برخی از

یکشنبه‌خوانی

گذران زندگی میان سکوت و فریاد

علی باکزاد

در فصل نوبینی که اقلیتی از مردم رقم زدند، هنر نیز می‌تواند میوه‌چینی کند. هرچند بسیاری از عوامل فرهنگی و هنری، همراه و همگام با مردم بوده‌اند و اگر به روایت وفاق ملی باور داشته باشیم، این دوره جدید، دوره‌ای برای همه است.
قصدم توبیخ گذشته و تمجید حال نیست؛ هرچند گذشته بسیاری را به فعالیت زیرزمینی کشاند، بسیاری جلای وطن کردند، بسیاری به تبعید خودخواسته در کنجی ماندند و... .

بگذارید با یک مثال، باور کنونی خود را عرضه کنم:
در صحنه‌ای از فیلم «گذران زندگی» ژان لوک گدار، آنا کارینا شخصیت اصلی فیلم وارد کافه‌ای می‌شود و از مرد مسن‌تری که اتفاقاً فیلسوف است، درخواست می‌کند.
برایش نوشیدنی بخرد.
ناگهان متوجه می‌شود چیزی برای گفتن به مرد ندارد.
ایمن وضعیت مرد را برمی‌انگیزد تا برایش داستان سه تفنگدار دوسوا را تعریف کند؛ داستانی دربارهِ

اینکه چطور فکرکردن زیاد، عمل را فلج می‌کند.
چرا این حکایت عجیب را برایش می‌گوید؟
پاسخ می‌دهد: «همین‌طوری، واسه اینکه حرفی زده باشیم».
آنا کارینا داستان را هم زیسا و هم هراس‌آور می‌داند.
فیلسوف می‌گوید داستان ترسناکی است، اما سرخ‌نهی به ما می‌دهد: «تنها وقتی می‌توانیم خوب حرف بزنیم که برای مدتی از زندگی دست بکشیم.

این بهایی است که باید پرداخت کنیم».
آنا کارینا می‌پرسد چرا همیشه باید حرف بزنیم؟
چرا نمی‌توانیم در سکوت زندگی کنیم؟
فیلسوف می‌پایزد که ایده خوبی است، اما چیزی نیست که در زندگی عملی باشد.
بدون زبان، تفکر وجود ندارد.
با این همه، اغلب سعی می‌کنیم برای آنچه در ذهن داریم، کلمات مناسبی پیدا کنیم.
آنا کارینا طی حدیث نفس فلسفی مرد، لحظه‌ای به سوی دوربین می‌چرخد و چهره استثنائی او نگاه ما را با ژست مهمم تصدیق و بارنیکبختگی محو تماشا می‌خود می‌کند.
او برمی‌گردد و زبان به اعتراض می‌گشاید که کسی نمی‌تواند در زندگی روزمره این‌طور زندگی کند؛ نوعی بی‌طرفی و خون‌سردی که لازمه گفتار فلسفی است.
فیلسوف می‌پذیرد، اما می‌گوید به همین دلیل است که ما میان گفتار و سکوت پس و پیش می‌رویم و نوسان می‌کنیم، میان حیاتی که آن را زندگی می‌کنیم و حیاتی که در ذهن داریم.

به باور من، هنر و به‌ویژه سینما از آن حالت که «حرفی زدیم‌تو حرف زده باشیم»، در دوره سه‌ساله اخیر که اسیر نوعی تفکر دستوری بود، گذر کرده است؛ هرچند در این سه سال بسیاری از ما، فقط بسیار فکر کرده‌ایم و همین تنوع افکار به واثه‌ادگی و فلج اندام هنر و سینما کشیده شده و بی‌تحریکی کنونی و کم‌کردن مسیر از نشانه‌های آن است.
فکرکردن خوب است، اما زاید آن همچون ریسمانی است که توده‌وار می‌چرخد و ما را می‌چرخاند و در خود فرومی‌برد.
گاه به عقب‌ب‌تر از عقب بازمان می‌گرداند.
سه سال از زندگی دست کشیده بودیم و حالا وقت حرف‌زدن که نه، وقت خوب حرف‌زدن است.
اثر هنری ازجمله فیلم، محصول یک اندیشه مسلط نیست، بلکه محصول موقعیت زمانی و اجتماعی تولید آن نیز هست.
این موقعیت را مردم در حرکتی استثنائی و خردمندانه در زمانی که هیچ‌کس تصورش را نمی‌کرد، به وجود آوردند.
حالا زمان خلق هنر مردمی است.
هنر مردمی هم آن چیزی است که مردم می‌خواهند و هم آن چیزی است که روشنفکر هنرمند در مقابل مردم روزنه‌گشایی می‌کند تا ذائقه سطح فعلی خود بالاتر نشاند.

پزشکیان با وعده‌هایی نه همچون تحول سیاسی یا تغییر ساختار اجتماعی که با شعار آینده بهتر و معیشت بهتر و اقتصاد بهتر روی کار آمد.
اقتصاد هنر و سینما نیز قسمتی از این یک آقای رئیس‌جمهوری است.
اگر درد شکم‌های خالی این مردم درمان شود و اگر سفره‌های همه رونق بگیرد، شروعی مناسب برای تحولات و رخدادهای بعدی است.
موسیقی‌دان برای شادی مردم نیز خواهد نواخت، فیلم‌ساز دیگر فیلمارسی وطن سخیف نخواهد ساخت، نقاش فقط زشتی‌ها را نخواهد کشید و نویسنده قلم به مز نخواهد بود.

ای کاش دانسته انتخاب‌های رئیس‌جمهور با ضرابهنگ نیازهای مردم هماهنگ باشد و دوباره رِخوت کریبان‌گیر ما نشود.

حامیان و مشخصا اهل سنت، سؤال‌های اساسی ایجاد شده که بی‌توجهی به آنها محتمل به سرخوردگی و ناامیدی از دولت و البته سوختن سرمایه اجتماعی شکننده و حداقلی است که با خون دل خوردن هواخواهان پزشکیان شکل گرفت.
هفته گذشته و در مدت کوتاه یک‌روزه، خبری مبنی بر انتصاب دکتر جلالی‌زاده به‌عنوان معاون اقوام و مذاهب و اهل سنت در رسانه‌ها منتشر و سپس با فاصله ۲۴ ساعت از سوی او تکذیب شد.
باید پرسید این حامیان و نزدیکان پزشکیان چه کسانی هستند که با یک تماس تلفنی با سرمایه اجتماعی و ذهنیت به‌هم‌ریخته و اضطراب‌زای مردم اهل سنت بازی می‌کنند؟
آن‌گونه که به‌عنوان یک روزنامه‌نگار افکار عمومی و ستاد پزشکیان در کردستان و نیز کشنگران کرد و اهل سنت را رصد کردم، دیدم که این شایعه‌پراکنی و تأییدها و تکذیب‌ها متأسفانه به آغاز ناامیدی‌ها از دولت و افزایش گلاویه‌ها افزوده است.
شاید اکنون مهم‌ترین سؤال از متن این‌انتقادهای این باشد که آیا در میان جامعه اهل سنت هیچ فردی برای تصدی حتی یک وزارتخانه پیدا شد؟
و متعاقب آن تکرار سؤال شخص دکتر پزشکیان با تغییر عدد دولت از ۱۳ به ۱۴ از خود پزشکیان است که در دولت چهاردم چند استاندار اهل سنت داریم؟!

در این شرایط حساس کشور با اقتصاد ضعیف، کاهش قدرت خرید مردم، کاهش سرمایه‌های اجتماعی و مصائب بین‌المللی، رئیس کابینه اینک باید متوجه انبوه مطالبات جامعه از دولت خود بوده و او دست‌کم باید در سطح وعده‌هایش به مردم پاسخ‌گو باشد، چراکه پزشکیان در چندین مورد برای

تحقق این وعده‌ها به شرافت خود سوگند یاد کرده است.
دریغ که از همین ابتدا چنان به نام وفاق، این پیام به واسطه نزدیکان حتما باید به او منتقل خود را نیز برنجانده است.
این پیام به واسطه نزدیکان حتما باید به او منتقل شود که مردم برای تغییر رای داده‌اند، نه «تاوأم» وضع موجود.
امیدوارم به‌واسطه آنچه از آن نگرانیم و نیز تلاش و کارشکنی مجاهدان روز شبیه، روزی نویسیم از «آن مواعید که پزشکیان برفت از یادش»!

۵۰ فیلم

آیا امسال فیلمی از ایران به اسکار معرفی می‌شود؟ این سوالی است که ایسنا درحالی‌که کمتر از ۵۰ روز مانده به پایان مهلت این انتخاب، پرسیده است.
با توجه به اینکه تنها ۵۰ فیلم در بازه زمانی‌ای که لازم است، اکران شده‌اند.
فیلم‌های بخش غیرانگلیسی در یک زمان مشخص باید به مدت هفت روز در کشور مبدأ اکران عمومی شوند که این بازه در ایران از ۱۱ آبان سال ۱۴۰۲ تا نهم مهرماه سال ۱۴۰۳ را دربر می‌گیرد.

۴۶۹ هزار نفر

تا پایان روز گذشته بالغ بر ۴۶۹ هزارو ۱۶۸ زائر ایرانی و غیرایرانی به کشور بازگشته‌اند که ۸۹ درصد آنها زائر ایرانی و ۱۱ درصد زائر غیرایرانی بودند.
۳۵ درصد زائران غیرایرانی نیز برای خروج از کشور مرز شلمچه، ۲۵ درصد مرز مهران، ۱۳ درصد مرز باشماق، ۱۳درصد ترمچین، ۱۰ درصد مرز جذابه و چهار درصد مرز خسروی را انتخاب کرده‌اند.

۴ نفر

دادستان عمومی و انقلاب شهرستان الیگودرز خبر داد قاتل آی‌نور پیدا شد.
پس از پیدا شدن جسد این کودک در چاه فاضلاب همسایه، چهار نفر از اعضای این خانواده شامل دو زن و دو مرد برای انجام تحقیقات تکمیلی دستگیر شدند.
زن همسایه گفت پس از خفه‌کردن این کودک، گوشواره‌های او را روده و او را در انبار کاه پنهان کرده و پس از دو روز جسد را در چاه فاضلاب انداخته است.